

## نمادهای زبانی تشیع در عصر صفوی

مجتبی قاسمی\*

### چکیده

بررسی تاریخ اجتماعی پیروان یک مذهب یا حکومت برخاسته از آن مذهب، توجه همه‌جانبه به زندگی و نکته‌های ریز دخیل در فرآیند شکل‌گیری تاریخ آنان، از جمله نمادهای اجتماعی را طلب می‌نماید. نمادها از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تاریخ اجتماعی است که از عوامل گوناگون تأثیر می‌پذیرد.

بحث و مطالعه در مورد تاریخ اجتماعی شیعیان نیز از این قاعده مستثنا نیست این نوشته به برخی از نمادهای زبانی در تاریخ اجتماعی شیعیان در دوره حکومت صفویه اشاره دارد. این نوشتار به مواردی از چگونگی عملکرد و رفتار شیعیان پرداخته که در آن عصر به شیعیان اختصاص داشته است و از باورها و اعتقادات آنان حکایت دارد، به گونه‌ای که با مشاهده این رفتار می‌توان باورها و عملکردهای شیعی را تشخیص داد. از این رفتار می‌توان به اذان، اعلام برائت از مخالفان ائمه، قصه گویی، منقبت خوانی، نقش سکه‌ها، کاشی‌کاری‌ها و فلزکاری‌ها اشاره کرد که هر کدام از این نمادها اشاره به رفتار و منش مردم آن دوران و میزان علاقه و روش ابراز آن دارد و اینکه آیا این روش دچار نقص و عیبی بوده و تا به چه اندازه توانسته تشیع را بر دل مردم رسوخ بدهد. سبیل‌سازی و نشان برای یک مذهب در روش‌های گوناگون از جمله شعر و منقبت و یا در وادی نقوش در کاشی و فلز و اینکه در قهوه‌خانه‌ها و مجالس ذکر منقبت و مصائب کربلا باشد، این نشانگر میزان ارادت شاهان و مردم به ائمه اطهار و مذهب شیعه است.

### واژه‌های کلیدی

نماد، نماد زبانی، صفویه، منقبت

---

\*. دانش آموخته سطح دو گرایش تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا (ع).

## بیان مسئله

نمادهای اجتماعی شیعه در دوره صفوی با تکیه بر کتب و منابع مکتوب و غیر مکتوب تاریخی اصفهان قابل تبیین است. این دوره با توجه به رسمیت تشیع و حضور علمای بزرگ شیعه، یکی از مهم‌ترین ادوار، در گسترش آموزه‌های شیعی است و در آن نمونه‌های فراوانی می‌توان یافت که شیعیان را از بقیه مذاهب متمایز می‌کند و باعث تبیین و مشخص شدن مذهب تشیع می‌شود.

این نوشتار به بررسی تاریخ اجتماعی می‌پردازد، بخشی از تاریخ اجتماعی مربوط به نمادها می‌شود. نمادها به دودسته زبانی و غیرزبانی تقسیم می‌شوند که این پژوهش به بخش نماد زبانی در دوره صفوی پرداخته است. نمادهای و سنبل‌های زبانی در جامعه شیعی صفویه شامل؛ اذان، لعن و طعن خلفا، قصه‌خوانی، مناقب خوانی، سکه‌ها، مهرها و کاشی‌کاری‌هایی است که باور شیعیان بر آن نقش بسته است.

## مفاهیم

نماد در لغت به معنای نمود و حاصل مصدر است که به معنای تجلی، جلوه و نشان است و به تعبیر دیگر به معنی سمبل و آنچه مظهر چیزی است.<sup>۱</sup> نماد بحث مهمی در حوزه جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، فرهنگ و... به شمار می‌آید. در فرآیند اجتماعی به نمادهایی توجه می‌شود که در نمادهای جمعی ریشه دارد و به نمادهای فردی، چندان عنایتی صورت نمی‌گیرد.<sup>۲</sup> زبان، واحدهای مبادله‌ای و اعتباری (سکه، مهر و...)، پرچم و رفتارها و اعمال دینی، همه بیانگر نمادهایی می‌باشند که افراد جامعه در آن اشتراک دارند. هر نمادی در بردارنده محتوایی است که از آن حکایت دارد و بیشتر تکیه بر این دارد که نوعی رابطه بین نماد و امور نمادی شده برقرار است.

نمادها را به دو بخش تقسیم می‌کنند: زبانی و غیرزبانی که قسم اول می‌تواند مکتوب باشد: مانند پرچم و سکه‌ها و می‌تواند بر زبان جاری شود مانند ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات خاص سیاسی و... که مادر این نوشتار به قسم نمادهای زبانی دوره صفویه

۱. لغت‌نامه، ج ۱۳، ص ۲۰۰۹۹.

۲. فرهنگ کامل فارسی، حسین انصاف پور، ص ۱۲۰۷.

می پردازیم.

### سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

نمادهای زبانی شیعیان در عصر صفوی چیست؟

سوالات فرعی:

۱. اذان شیعی در عصر صفوی به چه شکل بوده است؟

۲. اظهار محبت به پیشوایان دینی و اعلام برائت از مخالفان چگونه بود؟

۳. قصه خوانی و مناقب اهل البیت علیهم السلام در این دوره چه خصوصیت‌های داشته است؟

۴. نقش سکه‌ها و مهر شاهان و کاشی‌کاری‌ها و فلزکاری‌ها نشان از چه چیزهای

است؟

### فرضیه تحقیق

تاریخ اجتماعی عصر صفوی، بیانگر نمادهایی برای شیعه است که می‌توان از اذان، اعلام برائت از مخالفان امامان شیعه، حکایات، قصه‌خوانی، منقبت خوانی برای ائمه اطهار علیهم السلام، نقش سکه‌ها، مهر شاهان، کاش کاری و فلزکاری‌هایی - که مزین به نام ائمه اطهار علیهم السلام شده است - نام برد.

### اهداف و فواید تحقیق

این تحقیق درصدد ایجاد انگیزه برای مطالعات تاریخ اجتماعی است. در حوزه مطالعات تاریخ اجتماعی، کار زیادی صورت نگرفته است. مطلب دیگر بررسی جامعه شیعی و آداب و رسوم شیعیان با تکیه بر نمادهای زبانی آن دوره است. بررسی نقاط قوت و ضعف شیعیان در دوره مهم صفوی نیز مهم است و همچنین فتح بابی برای پژوهش‌های درباره دوره‌های قبل و بعد مانند آل بویه، قاجار و ... است.

### پیشینه تحقیق

اثر مستقلی در این موضوع یافت نشد ولی تعدادی مقاله مرتبط با این بحث قابل اشاره است:

۱. مطالعه تطبیقی مضامین کاشی‌کاری مدرسه چهارباغ اصفهان و باورهای عصر

صفوی، قباد کیانمهر.

۲. کتیبه‌های طوغ‌های عزاداری در عصر صفوی، محمد مشهدی نوش‌آبادی.

۳. صنف معرکه گیران و قصه‌خوانان دوره صفوی، زهرا شیخ‌الحکمایی.

۴. مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی / محمد افروغ، نوروزی طلب.

۵. مهر پادشاهان صفوی، حکیمه امیری.

۶. نماد و نمود نام امام علی علیه السلام در فلزکاری و کاشی‌کاری صفویه و قاجار / مریم

فراست.

۷. جریان‌شناسی تاریخی و رویکرد و قرائت حماسی، اسطوره از واقعه عاشورا /

محسن رنجبر.

۸. نمادهای زبانی تشیع در عصر حضور / انور فیاضی، محمدرضا جباری.

### تأسیس حکومت صفوی

صفویان دودمانی ایرانی و شیعه بودند که در سال‌های ۸۸۰ تا ۱۱۰۱ ش (برابر ۱۱۳۵-۹۰۷ ق / ۱۷۲۲-۱۵۰۱ م) بر ایران فرمانروایی کردند. بنیان‌گذار صفویه، شاه اسماعیل اول است که در سال ۸۸۰ ش در تبریز تاج‌گذاری کرد و آخرین پادشاه صفوی، شاه سلطان حسین است که در سال ۱۱۰۱ ش از افغان‌ها شکست خورد.<sup>۱</sup>

شکل‌گیری و نیرومندی دودمان صفوی نتیجه حدود ۲۰۰ سال تبلیغات فرهنگی صوفیان صفوی بود. اگر به این نکته دقت شود که شاه اسماعیل در زمان تاج‌گذاری در تبریز تنها ۱۴ سال داشت، ارزش این گذشته فرهنگی بیشتر نمایان می‌گردد.

دوره صفویه از مهم‌ترین دوران تاریخی ایران به شمار می‌آید، چراکه پس از نهمصد سال پس از نابودی شاهنشاهی ساسانیان، یک فرمانروایی پادشاهی متمرکز ایرانی توانست بر سراسر ایران آن روزگار فرمانروایی کند. گرچه پس از اسلام، چندین پادشاهی ایرانی مانند صفاریان، سامانیان، آل‌بویه ساخته شد ولی هیچ‌کدام نتوانستند تمام ایران را زیرپوشش خود جای دهند و یکپارچگی در میان مردم ایران پدید آورند. حکومت صفوی، اولین حکومت ملی ایرانی و دارای سازمان‌دهی شیعی بود. در این

۱. تاریخ صفویه، ص ۱۲۷.

دوره شیعیان به صورت آزاد زندگی می‌کردند و در انجام اعمال و مراسم مذهبی آزاد بودند.

### مذهب و حاکمان

شیخ صفی‌الدین اردبیلی، نی‌ای بزرگ صفویان، هشتمین نسل از تبار فیروز شاه زرین کلاه بود. فیروز شاه از بومیان ایرانی و کرد تبار و یا آذری تبار بود که در سرزمین مغان ساکن بود. زبان مادری شیخ صفی‌الدین به عقیده بسیاری تاریخ نویسان ایرانی مانند احمد کسروی زبان آذری بوده است و اشعاری بدین زبان در کتاب «صفوة الصفا و سلسلة النسب» سروده است. هم‌چنین برخی اعتقاد دارند که زبان مادری وی زبان تاتی بود، تاتی یکی از زبان‌های ایرانی و زبان بومی آذربایجان بود.

هواداران شیخ صفی‌الدین، پیرو تصوف بر پایه آیین شیعه دوازده‌امامی بودند (هرچند در مورد اینکه شخص شیخ صفی‌الدین، شیعه بوده است، تردیدهایی وجود دارد). باور قزلباشان به این نوع از تصوف تا پیش از شاه‌عباس اول، مهم‌ترین عامل نیرومندی صفویه بود. قزلباشان تا پیش از جنگ چالدران گونه‌ای نیروی خدا گونه برای شاه اسماعیل اول، قائل بودند که با شکست در جنگ این باور آن‌ها رو به سستی نهاد.<sup>۱</sup> شاه اسماعیل صفوی، برای اشاعه آئین تشیع از هیچ تلاشی - گرچه به ظلم و جور- فروگذار نکرد، چون اکثریت قاطع مردم تبریز در عهد سلطنت اسماعیل به آئین تسنن گرایش داشتند، وی با خشونت بسیار بیست هزار نفر را از دم تیغ گذرانید و به نبش قبر و سوزاندن استخوان‌های مخالفین فرمان داد. در جواب نامه علمای شیعه تبریز، تأکید کرده است که: «مرا به این کار واداشته‌اند و خدای عالم و حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام همراه‌اند و من از هیچ کس باک ندارم به توفیق الله تعالی». در صورتی که شاه اسماعیل دوم به دنبال کم‌رنگ کردن نفوذ تشیع در بدنه اجتماع صفوی بود. شاه اسماعیل دوم باطناً متمایل به مذهب تسنن بود و می‌خواست که آن مذهب را دوباره در ایران رواج دهد، به همین سبب در صدد برآمد که از قدرت و نفوذ علمای بزرگ شیعه بکاهد و از تظاهرات و تبلیغاتی که در ایران بر ضد مذهب تسنن می‌شد و مایه

۱. سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، ص ۶۰.



اختلافات بزرگ داخلی و خارجی و خونریزی‌های فراوان بود، جلوگیری کند. همیشه در مجالس خصوصی از اختلاف شیعه و سنی و لعن خلفای سه‌گانه و اصحاب پیغمبر انتقاد می‌کرد، ولی هیچ‌گاه آشکارا به مذهب تسنن ابراز علاقه نمی‌نمود و مقاصد خویش را باتدبیر و سیاست و تهدید و تطمیع و بهانه‌جویی انجام می‌داد. نخست علمای متعصب شیعه را از دربار دور و کتب ایشان را ضبط کرد، چند تن از روحانیان را که متهم به تسنن بودند، طرف مشورت و مورد لطف و عنایت ساخت، سپس فرمان داد که مردم لعن ابوبکر و عثمان و عمر و عایشه و امثال آنان را در مساجد و معابر و مجامع عمومی ترک کنند و هر کس را که از اطاعت این امر خودداری می‌نمود، به‌سختی مجازات می‌کرد.

۱۶۶

اوج اقتدار و شکوه صفویان در زمان شاه‌عباس کبیر بود که هم فتوحات بسیاری داشت و هم دفع دشمنان صورت گرفت که از جمله آن‌ها دفع ازبکان و فتح لار و بحرین و تسخیر قشم و هرمز بود. بعد از این دوره ضعف شاهان صفوی را می‌بینیم و بی‌لیاقتی شاهان و خوش‌گذرانی آنان، باعث ضعف خاندان صفوی و استیلای افغان‌ها بر ایران شد.<sup>۱</sup>

### انحطاط و سقوط

درباره علل سقوط صفویه، مینورسکی به شکل منظم‌تری، به چند عامل ویژه اشاره می‌نماید:

الف: از میان رفتن کامل هسته مرکزی عقاید مربوط به سلطنت متکی به مذهب، بی‌آنکه اعتقاد مؤثر دیگری جایگزین آن شود.

ب: اختلاف فاحش عناصر قدیم و جدید در نظام ایران.

ج: تزلزل توازن میان ممالک (که حاکمان مستقل و موروثی داشت) و خاصه (که مستقیماً زیر نظر اعتمادالدوله بود) و توسعه خاصه که طبعاً مایه دلسردی و رسیدگی خاطر خدمت‌گزاران متصدی آن ولایت می‌گشت.

د: وجود دولتی مستقل در حرم‌سرا تحت رهبری شخص ملکه مادر و

خواجه‌سرایان که اعمالشان غالباً دور از مسئولیت و نامعقولانه و از روی رقابت با اعتمادالدوله و دیگر صاحب‌منصبان بود. هز فساد خاندان سلطنتی که نوباوگان در محیط حرم بی‌خبر از جهان خارج به سر می‌بردند.

برخی دیگر از محققان ریشه اصلی سقوط را در حکومت مطلقه می‌دانند. حکومت استبدادی، موجب کشتن و نابود ساختن هر اندیشه و قدرتی در مملکت، جز اراده شاه، شده بود که علت‌العلل و مسبب‌الاسباب تسلط افغانی‌ها بر ایران بود.<sup>۱</sup> حکومت استبدادی خسارات فراوانی در نابودی اندیشه‌ها دارد، تردیدی نیست اما نباید یک‌باره به یاد «استبداد» افتاد و عامل سقوط را همان دانست. به‌علاوه، در میان شاهان صفوی، نا مستبدترینشان شاه سلطان حسین بود که در عمل آلت دست اعتمادالدوله، مشاوران حرم‌سرا و سائر افراد بانفوذ بود.

### اذان شیعه و اعلام برائت از خلفا

#### اذان شیعه

اذان را مسلمانان برای فراخواندن برای نماز به کار می‌برند. در بعضی از اذکار اذان شیعه تفاوت و اضافه وجود دارد. به خاطر حکومت سنی از گفتن اذان به روش شیعیان جلوگیری شده بود که با تشکیل حکومت صفوی یکی از اولین اقدامات حاکمان، تغییر اذان و لعن خلفا و ضرب سکه به نام اهل‌البیت و مخصوصاً امیرالمؤمنین علیه السلام بود.<sup>۲</sup> اسماعیل پس از پیروزی بر الوند میرزا در سال ۹۰۷ هـ ق. راهی تبریز شد. در آنجا مورد استقبال بزرگان شهر قرار گرفت و مراسم تاج‌گذاری به‌عنوان اولین حاکم صفوی صورت گرفت. نخستین اقدام وی به رسمیت شناختن مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی دولت و حکومت خویش بود، بااینکه اکثر مردم تبریز در آن زمان از اهل تسنن بودند، مخالفت جدی با این دستور نشد.<sup>۳</sup> امیر محمود بن میرخواند می‌نویسد:

۱. علل بر افتادن صفویان مکافات نامه، ص ۷۵۰.

۲. صفویه در عرصه دین و فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۲۳.

۳. همان، ج ۱، ص ۲۳.

«چون شاه اسماعیل اول به قدرت رسید و بر رقیبان و دشمنان مسلط شد بر روی سکه‌ها و منابر را به اسامی ائمه اطهار زینت بخشید و دستور داد که در مساجد و معابد محراب اهل سنت را تغییر دهند و مؤذنان کلمه «أشهد أن علیاً ولی الله» را در اذان بعد از شهادتین گفته در بعد حی علیتین یعنی «حی علی الصلاة» و «حی علی الفلاح» جملتان «حی علی خیر العمل» و «محمد و علی خیر البشر» را تکرار نمایند و در صورت مخالفت سر از او جدا کنند و او را دستگیر کنند»<sup>۱</sup>.

او برای اشاعه مذهب تشیع به شمشیر توسل جست. وقتی که علمای شیعه او را از تندروری منع کردند و گفتند اکثریت قاطع مردم سنی مذهب‌اند، اسماعیل گفت: «اگر رعیت حرفی بگوید شمشیر می‌کشیم و یک کس زنده نمی‌گذاریم»<sup>۲</sup> اسماعیل پس از آن، دو جمله «أشهد أن علیاً ولی الله» و «حی علی خیر العمل» را وارد اذان کرد، در فتوحات شاهی آمده است:

«و چون فکرت همت عالی شاهی بر تقویت مذهب امامیه و تمشیت مهمام شریعت مطهر مصطفوی مصروف و مقصور است، هم در [وقت] جلوس همایون، فرمان واجب الاذعان نفاذ پیوست که خطبای مملکت آذربایجان خطبه به نام نامی حضرات ائمه اثنا عشر - سلام الله علیهم اجمعین - خوانند و پیش‌نمازی تمامی بلدان در اقامت صلوات به سایر عبادات رسوم مذمومه مبتدعه را منسوخ گردانند و مؤذنان مساجد و معابد، لفظ «أشهد ان علیاً ولی الله» داخل کلمات اذان سازند و غازیان عابد و لشکریان مجاهد از هر کس امری، مخالف ملت مشاهده نمایند، سرش از تن بپندازند»<sup>۳</sup>.

### اعلام برائت از خلفا

یکی دیگر از اولین اقدامات شاه اسماعیل، مقرر کردن لعن خلفا و دشمنان امیرالمؤمنین و اهل‌البیت علیهم‌السلام بود:

«مردم باید لعن و طعن بر اعدای دین محمدی و تولّا بر آل او نمایند و تبرأیان دستور داد که در کوچه‌ها و بازارها و محلات جستجو کنند، لعن و

۱. تاریخ شاه اسماعیل و شاه‌طهماسب صفوی ذیل تاریخ حبیب السیر، ص ۲۲۳.

۲. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸، ص ۵۰.

۳. فتوحات شاهی، ص ۱۷۲.



طعن بر خلفای ثلاث و بر سنیان و اعدای حضرات دوازده امام را به صدای بلند فریاد کنند و شنوندگان به با صدای بلند، کلمه بیش باد و کم مباد را گفته، هر یک از این امر سر باز زد، تبرداران و قورچیان او را به قتل برسانند.<sup>۱</sup>

اسماعیل پس از آنکه دو جمله «اشهد انّ علیا ولی الله» و «حی علی خیر العمل» را وارد اذان کرد، عده‌ای را به نام «تبرآیین»<sup>۲</sup> اجیر کرد که در کوی و برزن با صدای بلند به عمر و عثمان و ابوبکر و تمامی پیشینیان، ناسزاگویند و هرکس را که سدّ راه ایشان شود با تبر بر خاک اندازند. تبرآیین در پی شعار لعنت تعبیر «بیش باد، کم مباد» را فریاد می‌کردند.

علیرغم مخالفت علمای تبریز، شاه اسماعیل، خطبای مملکت را مأمور ساخت که شهادت مخصوص شیعه یعنی «اشهد انّ علیا ولی الله» و «حی علی خیر العمل» را که از زمان قتل ابوالحرث ارسلان بن عبدالله ترکی (که اداره امور کشوری و دولتی را در بغداد از طرف عضد الدوله به عهده داشت و خطبه به نام وی می‌خواندند) دیگر استفاده نمی‌شده بود، در اذان و اقامه وارد کنند.<sup>۳</sup>

به قدری صفویه در ترویج مذهب تشیع و ابطال طریقه سنت و جماعت اصرار داشتند که افراد مردم ایران بغض و کینه مخصوصی با خلفای عامه و سلاطین بنی‌امیه و بنی مروان و بنی عباس و غیره که به طریقه سنت سلطنت داشته‌اند پیدا کرده بودند و بسیار اتفاق می‌افتاد که بعضی هیکل‌ها، به علامت مجسمه رؤسای مذهب تسنن و جماعت می‌ساخته و می‌سوخته‌اند.

درحالی‌که شاه اسماعیل دوم مبلغی از خزانه شاهی تخصیص داد تا به کسانی که در تمام عمر زبان به لعن خلفای سه‌گانه و سایر اصحاب پیغمبر به مخصوص عشره مبشره نگشوده‌اند، داده شود. او دستور داد که تمام اشعار و عباراتی را که در لعن خلفای

۱. صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۱، ص ۲۳.

۲. کسانی بودند که از مأموران صفوی که هرکس اعلان براءت از مخالفان امامان نکرد او را مجازات می‌کردند.

۳. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۲، ص ۳۹۲.



سه‌گانه و در منقبت و مدح علی بن ابی‌طالب است را محو کنند.

## قصه‌گویی و منقبت خوانی

### قصه‌خوانی

قصه‌خوانی در قرون نخست هجری با تصوف پیوند داشت. این مسئله زمینه پیوند قصه‌خوانی با خانقاه در دوران پیش از روزگار صفوی و حتی در همین دوره است. درویشان دوره‌گرد، نقش خاصی در کار قصه‌خوانی یا کارهای شبیه به آن داشتند، به طوری که روی کار آمدن صفویان، قرین با تصوف درویشی و قصه‌خوانی بود و در روزگار آغازین صفوی کار قصه‌خوانی رواج فراوانی داشت. یکی از کارهای قصه‌خوانان حرفه‌ای این دوره، خواندن ابومسلم نامه‌ها بود.<sup>۱</sup>

در قهوه‌خانه، شاهنامه و داستان‌های حماسی دیگر نیز خوانده می‌شد و بسیاری از مردم برای شنیدن شاهنامه به آنجا می‌رفتند. بیشتر شاهنامه‌خوانان، خود شاعر و ادیب بودند. از جمله ملاً مؤمن کاشی معروف به یک‌سوار که وضع و لباس و اطوار خاص داشت و شاهنامه می‌خواند و قسمتی از آنچه در این کار نصیبش می‌شد را به درویشان و مستمندان می‌داد. قصه‌گویی و مدح علی علیه السلام و داستان‌پردازی و گفتارهای دینی هم در قهوه‌خانه‌ها مرسوم بود. شاعران و مداحان و نقالان در میان قهوه‌خانه، بالای منبر یا چهارپایه‌ای می‌ایستادند و در ضمن خواندن اشعار، یا نقل داستان‌ها عصایی را که در دست داشتند، به وضع خاصی حرکت می‌دادند.<sup>۲</sup> قصه‌خوانان، مناقب امام علی علیه السلام را بیان می‌کردند. کمال‌الدین محمد بن غیاث‌الدین محمد حکیم شیرازی، مورخ و قصه‌خوان راست‌گوی شیعی بود که کتابی هم در مناقب امام علی علیه السلام به نام شاه‌طهماسب تألیف کرده است.<sup>۳</sup>

### قصه‌خوانان دوره صفویه

میرآشوب از «قصه‌خوانان» بوده و حاتم بیک به شوخی به او می‌گفت: تو هرگز گوش به حرفی نداده‌ای! قصه را چون فراگرفته‌ای؟ میرظهیر هم که «در مدرسه تحصیل

۱. صفویه در عرصه دین فرهنگ و سیاست، ج ۲، ص ۸۷۶.

۲. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دوره صفویه، ص ۱۸۰.

۳. دنباله جستجو در تصوف ایران، صص ۲۲۸. ۲۲۹.

می‌کرد... و در کمال عسرت بود، در کوکنارخانه‌ها قصه‌خوانی می‌کرد.<sup>۱</sup> جمشید قصه‌خوان، مولانا حسین قصه‌خوان، اسد قصه‌خوان و اسکندر قصه‌خوان نمونه‌های دیگر هستند. اسکندر قصه‌خوان از چرب‌زبانان و شیرین‌بیانان بود و قصه‌ها و افسانه‌های غیرواقع را که خوش‌طبعان و ظریفان به قید انشا و کتابت درآورده بودند، به‌نوعی می‌خواند و ادا می‌نمود که مستحسن و مقبول طبع درست فهمان و صاحب سخنان می‌افتاد. شمار فراوانی از این افراد در دربار شاهان هندی و ایرانی عصر صفوی بودند.<sup>۲</sup> عنوان شاهنامه‌خوان، عنوانی غیر از قصه‌خوان بود و کسان دیگری کار شاهنامه‌خوانی را بر عهده داشتند؛ گرچه ممکن بود کسی هم قصه‌خوان و هم شاهنامه‌خوان بوده باشد.

#### موضع علمای شیعه در مورد قصه‌خوانی

قصه‌خوانان از قدیم‌الایام در ایران بودند و در عهد صفوی، کارشان رواج فراوان داشت؛ البته علما مخالفت‌هایی با آنان داشتند. به عقیده جزایری، اگر کسی به غنا گوش داده، یا سخن قصه‌خوانان را که در این دوره رواج دارد و قبل از آن نیز بود، مثل قصه حمزه و رستم و عتتر و این‌ها که همه یا بیش‌تر آن‌ها کذب است، بشنود، گناه کرده و به‌منزله عبادت شیطان است؛ چراکه شنیدن حکایات ساختگی، داخل در عبادت شیطان است، مگر آن‌که برای رفع ملال و به دست آوردن نشاط برای مطالعه و آمادگی برای اطاعت باشد. وی می‌افزاید: تعجب از کسانی است که متعرض تدوین این قصه‌های دروغ، به نظم و نثر شده، اما وقایع جنگ صفین را با آنکه به هشتاد واقعه عظیم می‌رسد - مخصوصاً لیلۃ الهمیر را - تدوین نمی‌کنند.<sup>۳</sup> وی خواستار آن است تا کسانی آن قصص را تدوین کنند؛ او می‌گوید قصص دروغ معمولاً در قهوه‌خانه‌ها حکایت می‌شود، جایی که باید آن‌ها را مدارس شیطان خواند. جزایری در انوار النعمانیة نیز به قصاص پرداخته

۱. تاریخ اجتماعی ایران، ج ۷، ص ۲۳۷. جایی بود شبیه قهوه خانه که پوست خشخاش را مانند برگ چایی دم می‌کردند و می‌خوردند.

۲. فهرست نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، ج ۱۶، ص ۳.

۳. مسکن الشجون فی حکم الفرار من الطاعون، برگ ۷۰.



است.<sup>۱</sup>

او در شمارش معبودهای دروغین، یکی را «قصاص» می‌داند. بر اساس حدیث من استمع الی قائل فقد عبده، می‌گوید: اگر سخنران از خدا سخن بگوید، مستمع او، خدا را عبادت کرده؛ اما اگر از شیطان سخن بگوید، مستمع، شیطان را عبادت کرده است. مقصود از سخن گفتن از شیطان نقل «حکایات دروغ، تمسخر مؤمنان، غیبت آن‌ها و مسائل دیگر» است. او می‌افزاید: اگر کسی گمان می‌کند که تنها نماز و امثال آن عبادت است، در اشتباه است؛ عبادت شیطان نیز، نظیر اتخاذ احبار و رهبان به منزله اربابی جز خداوند؛ مفهوم دارد.

### منقبت خوانی

از ویژگی‌های خاص دوره صفوی باید به رواج شعر و مرثیه اشاره کرد. شاهان بزرگ این سلسله از جمله شاه‌طهماسب اول و شاه‌عباس اول؛ شاعران را به شعر گوی و مرثیه‌سرایی تشویق می‌کردند و در سایه چنین تفکری شاعرانی مانند محتشم کاشانی در این دوره ظاهر شد. فضولی بغدادی منقبت سرای این دوره، کتاب معروف خود، حدیقه السعدا را به تقلید روضه الشهداء، به ترکی سروده است.<sup>۲</sup>

شاه اسماعیل خود مشوق و مروج این حرفه و هنر بود تا با این روش تأثیرگذار مذهب شیعه را در ذهن مردم رسوخ دهد. حرکت نیرومند قصه‌خوانی در قرن هشتم و نهم، به‌نوعی شامل بسیاری از رخداد‌های تاریخ صدر اسلام شد. یک نمونه آن‌که بی‌ارتباط با جریان کربلا هم نبود، مختارنامه نویسی بود که می‌کوشید در قالب تاریخی، افسانه‌سرایی این ماجرا را بیان کند. این مسئله به خود حادثه کربلا هم سرایت کرد؛ گر چه قصه نویسان در اینجا محتاطانه‌تر برخورد می‌کردند. ملأ حسین کاشفی (م ۹۱۱) با درایت ویژه خود، در مقام یک شخصیت مذهبی، خطیب، قصه‌گو، ادیب و مفسر، در شهر هرات و در روزگار تیموری، به پردازش ماجرای کربلا پرداخت و کتاب روضه الشهداء را پدید آورد.<sup>۳</sup>

۱. الانوار النعمانیة، ج ۳، صص ۶۴، ۶۵.

۲. تاریخ فرهنگ و تمدن دوره صفویه، ص ۲۰۲.

۳. همان، ص ۱۲۹.

### سکه‌ها، مهرها، طوغ و کاشی‌کاری حرم امامزادگان و مساجد

مضامین کتیبه‌ها، کاشی‌ها، فلزکاری، طوغ‌ها و مهرها دربرگیرنده مفاهیم و معانی انعکاس‌دهنده شرایط اجتماعی و فرهنگی مذهبی آن دوره است که باور اعتقادی و محبتی به اهل‌البيت علیهم‌السلام است که اهمیت فوق‌العاده را در بردارد.

#### نقش سکه‌ها

#### ۱ - نقش سکه‌ها در دوران سلاطین نخستین صفویه

شاه اسماعیل در تبریز بر تخت سلطنت نشست و خطبه اثناعشری به نام او خوانده شد و عبارت «لا اله الا الله محمدا رسول الله عليا ولي الله» بر درهم و دنانیر نقش شد. بابر شاه گورکانی برای تسلط بر سمرقند نزد شاه اسماعیل اول سفرایی فرستاد و اظهار داشت که اگر قشونی از طرف پادشاه به کمک او رود، سمرقند را فتح می‌کند و در آن ولایت سکه و خطبه را به اسم شاه اسماعیل می‌نماید. شاه اسماعیل، احمد بیک صوفی اوغلی و شاهرخ بیک افشار را با دسته قشونی به کمک بابر پادشاه روانه کرد و بابر توانست سمرقند را فتح و خطبه به اسم شاه اسماعیل خواند و در سکه اسم ائمه طاهرین علیهم‌السلام را نقش کرد و خاقان میرزا را حکومت سمرقند داد و احمد بیک صوفی اوغلی را با پیشکش فراوان به خدمت شاه اسماعیل فرستاد.

در سفرنامه شاردن آمده است: در یکروی سکه علامت مهر بزرگ دولت و کلمات «اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، اشهد ان عليا ولي الله» که اصل معتقدات مذهبی ایرانیان است نقش شده و دور سکه نام دوازده امام - جانشینان پیغمبر - آمده است و درروی دیگر سکه اسم پادشاه، نام شهری که سکه در آن ضرب شده و تاریخ ضرب نقش شده است. در یکروی سکه‌های مسین، علامت رسمی ایران که نشان شیر و خورشید است درحالی که خورشید از پشت شیر برمی‌آید نقش شده و روی دیگر آن نام محل ضرب سکه و تاریخ آن ضرب شده است.<sup>۱</sup>

شاه اسماعیل بر روی سکه بعد از سلطنت خود دستور داد شهادتین را بر مهر و سکه حک کنند و در نقش سکه‌های باقی‌مانده ضرب کنند:

۱. سفرنامه شاردن، ج ۲، ص ۹۱۲.



نادعلی مظهر العجایب  
کل هم و غم سینجلی  
تجده عوننا لک فی النوائب  
بولایتک یا علی یا علی<sup>۱</sup>  
از نقش سکه‌های شاه اسماعیل می‌توان به: اللهم صل علی محمد مصطفی و علی  
مرتضی، یا علی بن موسی الرضا یا صاحب الزمان، حسن رضی (امام حسن مجتبی)،  
حسین شهید به کربلا تا امامان بعدی، اشاره کرد.<sup>۲</sup>

عالم آرای عباسی نقل می‌کند:

«خاقان سلیمان‌شان مظفر و کامران بدار السلطنه تبریز رسیده بر تخت  
سلطنت پادشاهانه تمکن یافت شعار مذهب حق اثنا عشر ع ظهور یافت.  
فراز منابر به خطبه امامیه و القاب سامیه زینت پذیر گشته، وجوه دنانیر به  
کلمه طیبیه لا اله الا الله و محمد رسول الله و علی ولی الله و اسم سامی آن  
برگزیده، سکه آرایش یافت. رسوم مبتدعه ارباب ضلال مندفع گشته،  
شیعیان اهل بیت طیبین و طاهرین که تا غایت به تقیه زندگانی می‌کردند  
علانیه شعار مذهب حق امامیه پیش گرفت.»<sup>۳</sup>

شاه طهماسب در سکه‌ها نام خود را غلام امام مهدی یا غلام علی بن ابیطالب  
ضرب کرده بود و اصرار داشت سیادت خود را نشان بدهد به همین خاطر در ضرب  
سکه طهماسب الحسینی الموسوی را برمی‌گزیند.<sup>۴</sup>

## ۲ - نقش سکه در عهد شاه اسماعیل دوم

شاه اسماعیل دوم، نام ائمه و آیات قرآن را از سکه‌ها حذف کرد و وقتی اعتراض و  
انتقاد به او شد، می‌گفت: درم و دینار در سودا و معاملات به دست یهود و ارامنه و  
مجوس و هندو و سایر کفار درمی‌آید و عوام در حالت جنابت مس اسم الله که کلام  
مقدس است، می‌نمایند و در عوض برای اینکه مردم ناراحت نشوند در یک‌طرف سکه  
این بیت نقش نمود:

ز مشرق تا به مغرب گر امام است  
علی و آل او ما را تمام است

۱. سکه‌های شاهان ایران اسلامی، ج ۲، ص ۲۳۰.

۲. تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دوره صفوی، ص ۲۶۷.

۳. عالم آرای عباسی، ص ۴۵۸.

۴. سکه‌های دوره صفویه، ص ۱۳۵.



و در یک طرف دیگر اسم او و محل دارالضرب نقش گردید.<sup>۱</sup>

### کاشی‌کاری‌های امام زادگان و مساجد

در بعضی از مساجد و مکان‌های مقدس اوایل دوره صفوی، عبارت «علی ولی الله» نقش بسته است. یکی از عبارتهای معروف، شهادتین شیعی است. در مسجد آقانور اصفهان و همچنین در حیاط مرکزی مسجد جامع اصفهان نمونه خوبی از شهادتین شیعی به خط کوفی وجود دارد که بر دو سوی سر در ورودی اصلی این مسجد تکرار شده است که پس از ستایش الله و محمد ﷺ با جمله علی علیه السلام به عنوان ولی الله ادامه پیدا می‌کند. این جمله علی علیه السلام را به عنوان جانشین پیامبر ﷺ و امیرالمؤمنین معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

در حکومت صفویان، کاربرد شهادتین شیعه بسیار رایج بوده است. استفاده از ترکیب کلمات الله، پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در کنار هم اعتقادات مسلمانان شیعه آن دوره را نشان می‌دهد.

سیاست صفویان در انتخاب اسم علی علیه السلام برای کتیبه‌ها بر شکوه بخشیدن و احترام به جایگاه امامان در فرهنگ شیعه تأکید دارد. تعدادی از حکام صفوی، از اجرای این سیاست اهدافی مذهبی داشتند که این هدف، همانا اهمیت بخشیدن و باشکوه جلوه دادن جایگاه امامان در فرهنگ شیعی بود. این موضوع مهم اشاره‌ای به سیاست هوشیارانه پادشاهان صفوی دارد و هم تعهد واقعی آن‌ها به پیامبر ﷺ و امامان را نشان می‌دهد. پادشاهان صفوی تشیع را مذهب رسمی کشور قرار دادند و علمای شیعه را از کشورهای دیگر دعوت می‌کردند، سپس نگاره‌ها و کتیبه‌هایی درباره زندگی و مقام امامان شیعه سفارش می‌دادند.<sup>۳</sup>

در مدرسه چهارباغ اصفهان، با شعر و به خط محمد صالح اصفهانی، بر روی سنگ آب‌ها و کتیبه‌ها، صلوات بر محمد و آل البيت علیه السلام نقش بسته است. در اطراف سر در ورودی مدرسه؛ متن کتیبه، حدیث مشهور «انا مدینه العلم و علی بابها» که از باور شیعیان

۱. اسکندر بیگ، ج ۱، ص ۲۱۷.

۲. هنر شیعی، ص ۱۲۴.

۳. گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ص ۳۴۵.

است نقش بسته است. این نوشته در قسمت‌های دیگر مدرسه نیز وجود دارد. رجزهای طرفین سر در به خط نستعلیق که تأکید بر ولایت امیرالمؤمنین و نبوت پیامبر و عصمت این خاندان است. بالای سر در ورودی سرتاسری متن کتیبه، حدیث «قسیم النار و الجنة وصی المصطفی حقا امام الانس و الجنة» است.

دیوار روبه روی سر در در ترنج‌های موجود در مسجد و مدرسه و حاشیه داخل ایوان جنوبی و مدخل گنبد خانه، حدیث منزلت<sup>۱</sup> که در شان امامت حضرت بیان شده است، متن کتیبه گنبد خانه، «زین مجالسکم بذکر علی بن ابی طالب و لو اجتمع الناس علی حب امیرالمؤمنین لما خلق الله النار». است. در ایوان‌های گنبد خانه، عبارت «روی ابن مغزلی و الدیلمی عن سلمان قال سمعت حبیبی رسول الله ﷺ یقول کنت انا و علی نورالله» است، این حدیث در مقرنس‌های مناره نیز یافت می‌شود.

کتیبه سر درب مسجد امام اصفهان که بر روی فلز نیز حک شده هم در مسجد و هم سر در آن اشعاری در مدح این خاندان است:

الذی یضرب بسیفه الحکم الازلی      بنبئی العربی و رسول المدنی  
و بسبیطیه و شبلیه هما نجل زکی      و بزهراتتول و بأم ولدتها  
در مسجد امام و امامزاده اسماعیل و امامزاده محسن و هارونیه - فرزند امام موسی کاظم - متن کاشی‌ها و فلزکاری‌های موجود اشاره به صلوات خاصه امام رضا علیه السلام و نام امیرالمؤمنین و ائمه اطهار و صلوات بر ایشان است.<sup>۲</sup>

### مهرها و طوغ‌ها

یکی از نشانه‌های شیعی، طوغ‌های است که در حسینیه‌ها مانند علم یافت می‌شود که مانند تیغه و صندوق و سینه با خط نستعلیق یا ثلث با نقوش گل و بوته از اشعار مدح امام حسین و صلوات کبیره و اسماء الله و آیات الله نقش بسته است. طوغ‌های بجا مانده از عصر صفوی در فارس، کاشان، آران و بیدگل، نطنز،

۱. روایت پیامبر مثل من و تو مانند موسی به هارون است.

۲. مطالعه تطبیقی مضامین کتیبه‌های مدرسه چهارباغ اصفهان و باورهای عصر صفوی، قباد کیانمهر، اصفهان، دانشگاه اصفهان، ش ۱۰، تابستان ۱۳۹۰.



نوش آباد، مزین به نام امیرالمؤمنین و اشعار محتشم کاشانی، نادعلی و صلوات مخصوص است.

در نقوش مرکب‌دان‌ها، بازوبندها، قندیل‌ها، کشکول‌ها و گلدان‌های نقره و فلز، چراغ‌های امامزادگان، نام ائمه و حضرت حجت (عج) و صلوات خاصه وجود دارد که برخی در موزه اصفهان وجود دارد.<sup>۱</sup>

### مهر شاهان صفوی

شاهان صفوی مهرهای مختلفی داشتند که هر کدام استفاده مخصوص داشت.

مهر انگشتر کوچک مبارک: مهری که پایان مجلس نویسی، شاه بر آن می‌زد که مزین به نام همایونی و ائمه اطهار بود این مهر مخصوص شاه‌عباس بوده است.

مهر ثبت همایون: مهری که برای اخذ مرسوم و سیور غال‌ها که به تمام نواحی صادر می‌شد و بر طرف چپ می‌زدند و در دست مهر دار بود که متن آن: «بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباد و صلی علی خیر خلقه محمد اله».

مهر ثبت شرف نفاذ: مهری که برای نفوذ حکم سلطانی و برای فرستادن سفرا در انتها زده می‌شد که شعر زیر حک شده بود:

جانب هر که یا علی گو نکوست  
هر گوش که گو باش ندارم دوست  
هر که چون خاک نیست بر در او  
گو فرشته است خاک بر سر او  
مهر مسوده: مهری برای شرط‌نامه‌ها و قول‌نامه‌ها و دادوستد که مزین به نام ائمه بوده است. مهر ختم که بر حاشیه آن با خط شاه نوشته بوده: غلام شاه ولایت طهماسب الموسوی الحسینی به همراه این شعر:  
ختم است پادشاهی عالم به نام ما  
ثبت است بر جریده شاهی دوام ما

۱. نماد و نمود نام امام علی (علیه السلام) در هنر فلزکاری صفویه و قاجار، مریم فراست، کتاب ماه هنر، شهریور، ش ۱۲۰، ۱۳۸۷.  
۲. مهرهای شاهان صفویه، حکیمه امیری، ماه تاریخ جغرافیا، ش ۶۸، ۶۹، تیر خرداد ۱۳۸۲.



### نتیجه‌گیری

آنچه بیان شد نمونه‌هایی از رفتار و علائم و جلوه‌های عمل و فکر شیعه در آن دوره بود که به‌عنوان نمادهای اجتماعی شیعه در دوره صفویان فراهم آمده است. هرکدام از موارد یادشده از آموزه‌های دینی و باور مذهبی شیعیان آن دوره حکایت دارد و عملکرد شیعیان را از پیروان سایر باورها و آیین‌ها جدا می‌سازد. هرکدام از نمادهای یادشده در چهارچوب نمادهای زبانی دسته‌بندی شده است از طرفی موارد به‌دست‌آمده حاکی از اندیشه‌ها و آموزه‌های دینی و اعتقادی است که علما و پادشاهان صفوی یا به آن عمل کرده و یا توصیه کرده‌اند یا رفتارهای است که تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم حوادث مهم تاریخی در تاریخ تشیع رخ داده است، از جمله آن مناقب خوانی در مجامع عمومی مثل مجالس شاهی و قهوه‌خانه‌ها در ظروف و مهرها، در کاشی مساجد و امامزادگان می‌توان یافت. هرچند باید معترف بود که این موارد همه نمادهای زبانی در تاریخ اجتماعی شیعه در عصر صفوی نیست بلکه گلچینی از آن است.



## فهرست منابع

۱. ایرج، دفتر تاریخ مجموعه اسناد و منابع تاریخی، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۸۰.
۲. افروغ، محمد، نوروزی طلب، علی‌رضا، مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی، نامه پژوهش فرهنگی، ش ۴۲، تابستان ۱۳۸۲.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، تاریخ منتظم ناصری، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷.
۴. امیری، حکیمه، مهرهای پادشاهان صفوی، ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۶۸ - ۶۹ خرداد و تیر ۱۳۸۲.
۵. انصاف پور، حسین، فرهنگ کامل فارسی، چاپ دوم، تهران: زوار، ۱۳۷۴.
۶. انور فیاضی، محمد، جباری، محمدرضا، نمادهای اجتماعی شیعیان در عصر حضور، تاریخ در آینه پژوهش، قم: مؤسسه امام خمینی، بهار ۱۳۹۰، ش ۲۹.
۷. پیرنیا، حسن، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، تهران: انتشارات بهداد، ۱۳۸۰.
۸. تاج‌بخش، احمد، تاریخ صفویه، شیراز: ۱۳۷۲.
۹. ترابی طباطبایی، جمال‌الدین، سکه شاهان ایران، تهران: اداره کل فرهنگ هنر، ۱۳۵۴.
۱۰. ترکمان، اسکندر بیگ، افشار، ایرج، عالم‌آرای عباسی، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
۱۱. جعفریان، رسول، صفویه در عرصه دین و فرهنگ، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۱۲. جعفریان، رسول، سیاست و فرهنگ روزگار صفوی، تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.
۱۳. جعفریان، رسول، صفویه از ظهور تا زوال، تهران: دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸.
۱۴. جنابدی، میرزا بیگ، محقق طباطبایی مجد، غلا رضا، روضه الصفویه، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ۱۳۷۸.
۱۵. خواند امیر، امیر محمود، جراحی، محمدعلی، تاریخ شاه اسماعیل و شاه‌تهماسب صفوی ذیل تاریخ حبیب السیر، تهران: گستره، ۱۳۷۰.
۱۶. راوندی، مرتضی، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ دوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۲.
۱۷. رنجبر، محسن، جریان شناسی تاریخی و رویکرد و قرائت حماسی، اسطوره از واقعه عاشورا، تاریخ در آینه پژوهش، ش ۲۳، اردیبهشت، ۱۳۹۰.
۱۸. شاردن، سفرنامه شاردن، مترجم اقبال یغمایی، تهران: طوس، ۱۳۷۲.
۱۹. ولی قلی بن داوود قلی شاملو، قصص الخاقانی، مصحح سید حسن سادات ناصری، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۷۱.
۲۰. شکر، یدالله، عالم‌آرای صفوی، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۳.
۲۱. فراست، مریم، نماد و نمود نام امام علی در هنر فلزکاری صفویه و قاجار، کتاب ماه هنر، ش ۱۲۰، شهریور ۱۳۸۷.



۲۲. قایینی، فرزانه، **سکه‌های دوره صفویه**، تهران: پارسینه، ۱۳۸۸.
۲۳. قدیانی، عباس، **تاریخ فرهنگ و تمدن ایران دوره صفویه**، تهران: فرهنگ مکتوب، ۱۳۸۴.
۲۴. کیهان مهر، قباد، **مطالعه تطبیقی مضامین کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌های مدرسه چهارباغ اصفهان با باورهای صفوی**، پژوهش‌های تاریخ، ش ۱۰، تابستان ۱۳۹۰.
۲۵. مجد الاسلام کرمانی، احمد، محقق محمد خلیل پور، چاپ دوم، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۲۶. میراحمدی، مریم، **دین و مذهب در عصر صفوی**، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۲۷. نوایی، عبدالحسین، غفار فرد، عباسقلی، **تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفویه**، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۸۰.
۲۸. هنر فر، لطف‌الله، **گنجینه آثار تاریخی اصفهان**، اصفهان: نقفی، ۱۳۵۲.